

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و سوم، دوره جدید، شماره ۳۱، پیاپی ۱۱۶، بهار و تابستان ۱۴۰۲
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۲۲۰-۱۹۵

از آل عثمان تا امپراتوری عثمانی؛ نام شناسی تاریخ نگارانه^۱

مهدی عبادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳

چکیده

در متون مطالعاتی کنونی با وجود این که اغلب تعبیر «امپراتوری عثمانی» برای اشاره به عثمانیان رواج بیشتری دارد، نوعی از آشفتگی درباره نام این سلسله مسلمان به چشم می خورد، به ویژه اینکه این عنوان منطبق با منابع دوره عثمانی نیست. این بدین معنی می تواند باشد که تجدیدنظر جدی در این زمینه الزامی است. بررسی متون تاریخ نگارانه، تألیفات تاریخی و منابع روزگار عثمانیان نشان می دهد که با اتکا بر الگوهای رایج در نام گذاری دولت های اسلامی، «آل عثمان» نام رایج این سلسله در ادوار تاریخ این سلسله بود. به دنبال تبدیل بلیک عثمانی به دولت عثمانی، در آثار تاریخی و منابع از نیمه دوم قرن هشتم هجری، تعبیر «دولت عثمانیه» نیز رواج یافت. در این میان، در منابع و نگاهشده های فارسی و در مواردی ترکی عثمانی نام «عثمانیان» نیز به چشم می خورد. با این اوصاف، در ادوار متأخر روزگار عثمانی، «دولت عَلیّه عثمانیه» برای نامیدن این سلسله کهن سال در متون و منابع تاریخی برای این دولت کاربرد بیشتری داشت و در اسناد و نشان های رسمی حکومتی نیز بیشتر به کار رفته است. این عنوان به احتمال زیاد در معنایی مترادف تعبیر «امپراتوری عثمانی» در آثار تاریخی غربی اروپایی است که اغلب به صورت آگاهانه از به کار بردن آن خودداری می شد؛ از این رو، به نظر می رسد با احتراز از به کارگیری «امپراتوری عثمانی»، استفاده از نام «دولت عثمانی» برای این دولت در مطالعات کنونی عنوان متناسب و صحیح تری باشد.

کلیدواژه ها: نام گذاری دولت های اسلامی، آل عثمان، دولت عثمانیه، عثمانیان، عثمانلی، عثمانلی گر، امپراتوری عثمانی، دولت عَلیّه عثمانیه.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2024.46725.1717

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
mebadi@pnu.ac.ir

مقدمه

یکی از مسائلی که همواره در مطالعه تاریخ دولت‌های اسلامی محل توجه می‌تواند باشد نام و عنوان دولت‌ها و سلسله‌های حکومتگر است. در بسیاری از مواقع، فارغ از این که نام رسمی سلسله‌ها چه بود و در تاریخ‌نگاری مربوط به آن‌ها از چه نام‌هایی استفاده می‌شد و صاحبان حکومت‌ها به صورت رسمی دولت خود را چه می‌نامیدند، پژوهشگران اغلب از نام‌هایی استفاده می‌کنند که در دوران معاصر و کنونی مشهور و رایج شده‌اند؛ از این رو، اغلب بین این نام‌های مشهور و عنوان‌های اصلی و رسمی دولت‌ها که در منابع و اسناد و شواهد تاریخی به چشم می‌خورد، تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. این مسئله درباره دولت عثمانی که از جمله دولت‌های مهم در تاریخ اسلام محسوب می‌شود، به شکلی بارز به چشم می‌خورد. امروزه اغلب در مطالعات و آثار تألیف‌شده درباره این دولت، از آن با تعبیر «امپراتوری عثمانی»^۱ یاد می‌شود. استفاده از این عنوان تا بدان حد فراگیر و در واقع تثبیت شده است که از منظر عموم و حتی متخصصان حوزه‌های مطالعاتی تاریخ عثمانی، به مثابه نامی پذیرفته درآمده است تا جایی که گویی خود عثمانیان نیز آن را به صورت رسمی برای خود به کار می‌بردند و خود را «امپراتور» و نظام سیاسی و دولت خود را «امپراتوری» می‌پنداشتند. نکته قابل توجه این که اطلاق چنین عنوانی به دولت عثمانی در نگاه‌های غربی و اروپایی قابل درک است و به دلیل این که در ذهنیت تاریخی فرنگیان، دولت‌های فراگیر با قلمروی گسترده، در تطبیق تجربه و الگوی تاریخی گذشته غرب از جمله امپراتوری‌های رم و بیزانس، امپراتوری محسوب می‌شوند. بنابر چنین رویکردی دولت عثمانی با قلمروی گسترده در سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا برای آن‌ها به مثابه یک امپراتوری پدیدار می‌شده است و لاجرم باید از آن با نام امپراتوری عثمانی یاد می‌شد. به همین دلیل نیز بسیاری از مطالعات تاریخی که درباره عثمانی‌ها در کشورها و مطالعات غربی تألیف می‌شود، تعبیر امپراتوری عثمانی در عنوان این آثار به چشم می‌خورد که از آن جمله می‌توان به *گاهنامه عمومی امپراتوری عثمانی*^۲ نوشته موراجه دوسین^۳، *تاریخ امپراتوری عثمانی*^۴ یوزف فون هامرپورگشتال^۵، *تاریخ عمومی امپراتوری عثمانی*^۶ چارلز مارش^۷ و موارد پرشمار دیگر اشاره کرد. به کارگیری گسترده از تعابیر فوق‌الذکر در تألیفات و نگاه‌های دهه‌های اخیر در ترکیه و

1. Ottoman Empire/Osmanlı İmparatorluğu.

2. Tableau général de l'Empire Ottoman.

3. D'ohsson, Mouradgea.

4. Geschichte des osmanischen Reiches/ Histoire de l'Empire ottoman.

5. Joseph von Hammer-Purgstall.

6. A general history of the Ottoman Empire.

7. Charles Marsh.

افزون بر آن در سنت تاریخ‌پژوهی اکثر کشورهای اسلامی از جمله ایران و کشورهای عربی در نوع خود می‌تواند قابل تأمل باشد که آثاری چون *امپراتوری عثمانی دوره متقدم*^۱ نگاشته خلیل اینالچق^۲، *تاریخ الامبراطوریه العثمانیه من التأسيس الی السقوط* نوشته ابوزیدون، *تاریخ امپراتوری عثمانی* به قلم محمدتقی امامی خوبی و نمونه‌های متعدد دیگر اشاره کرد. این در حالی است که با قدمت تاریخ‌نگاری اسلامی که تاریخ‌نگاری دوره عثمانی نیز بخشی از آن محسوب می‌شد و نیز رویکردهایی که درباره تاریخ دوره عثمانی در این سنت وجود دارد، به درستی می‌توان انتظار داشت که در این کشورها و به‌ویژه در ترکیه، مطالعات تاریخی مربوط به این حوزه از جمله درباره نام‌گذاری این سلسله بیش از هر سنت دیگری، از رویکردهای تاریخ‌نگاری اسلامی و دوره عثمانی تبعیت کند. نکته قابل توجه و مهم دیگر در این خصوص این است که امروزه بهره‌گیری از تعبیر «امپراتوری عثمانی» نه توسط عموم، بلکه توسط متخصصان امر صورت می‌گیرد. با این اوصاف، برخی محققان ترجیح داده‌اند که فارغ از به‌کارگیری تعبیر دولت یا امپراتوری اثر خود با نامی کلی و عمومی یعنی «تاریخ عثمانی» منتشر کنند که از آن جمله می‌توان به *تاریخ عثمانی*^۳ اثر اسماعیل حقی اوزون‌چارشلی^۴ عثمانی‌پژوه مشهور معاصر اشاره کرد.

تنوع سلیقه درباره نام دولت عثمانی در سنت دایرة‌المعارف‌نویسی عمومی و دایرة‌المعارف‌های تخصصی مربوط به اسلام نیز جالب توجه است. در دایرة‌المعارف بریتانیکا^۵ مدخل مربوط به عثمانی‌ها به صورت «امپراتوری عثمانی»،^۶ در *دایرة‌المعارف اسلام* چاپ لیدن (EI)، مدخل مربوطه به این سلسله به شکل «عثمانلی»^۷ و نیز «عثمان، آل عثمان»^۸ (Bosworth, C.E. and et al., 1995, viii/180, 190) و در *دایرة‌المعارف اسلام اوقاف ترکیه* (TDVIA/DİA)^۹، مدخل مربوط به دولت و دوره عثمانی، تحت عثمانی «عثمانلی‌گر»^{۱۰} و ضبط به الفبای ترکی عثمانی آن در همان‌جا به صورت «آل عثمان» درج شده است (Emecen ve diğerleri, 2018, 33/487). در *دانشنامه جهان اسلام* نیز مدخل مربوط به عثمانیان به «عثمانی، حکومت» درج خواهد شد.^{۱۱} در این میان، نکته مهم دیگر این که در

1. The Ottoman Empire: the classical age 1300-1600.
2. Halil İnalçık.
3. Osmanlı Tarihi.
4. İsmail Hakkı Uzunçarşılı.
5. Britannica.
6. <https://www.britannica.com/place/Ottoman-Empire>.
7. 'Othmānī.
8. 'Othmān, Āl-i 'Othmān.
9. TDV İslâm Ansiklopedisi.
10. OSMANLILAR.
11. <https://rch.ac.ir/Madkhal/Paging>.

سرفصل دروس رشته‌های تاریخ در ایران، درس مربوطه به این دوره از تاریخ اسلام تحت‌عنوان «تاریخ امپراتوری عثمانی» تعریف شده است (برنامه درسی مقطع دکتری تاریخ / اسلام، ۱۳۹۲: ۲۸ و ۶). با عنایت به این که آموزش رسمی و دانشگاهی در تثبیت مباحث و مسائل تاریخی اهمیت و تأثیر بی‌بدیلی در ایجاد ذهنیت تخصصی و همچنین عمومی دارد، استفاده از آن در آموزش‌های رسمی هم به معنی پذیرش چنین نامی محسوب می‌شود و هم موجب رواج و تثبیت آن در ضمیر و ذهن دانشجویان و به‌طور کلی جامعه می‌گردد (به‌عنوان نمونه نک. عربخانی، ۱۳۸۸: ۱۲۷ به بعد).

با این توضیحات تا حدودی مشخص می‌شود که نوعی از تشویش و ابهام درباره نام این سلسله و عنوان یا عناوین رایج و نیز رسمی آن وجود دارد. باید توجه داشت که دولت عثمانی دولتی مسلمان و به‌طور کلی در چارچوب و گستره جهان و تمدن اسلامی است و اطلاق عنوان و تعبیر «امپراتوری» با توجه به ماهیت اسلامی آن، قابل تأمل به نظر می‌رسد، عنوانی که اغلب برای دولت‌های اسلامی استفاده نمی‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر بر آن است تا آثار، منابع و مراجع تاریخی و نیز رسمی دوره عثمانی را بررسی نماید تا مشخص شود که در تاریخ‌نگاری عصر عثمانی، مورخان از چه نام‌ها و عناوینی برای اشاره به سلسله عثمانی استفاده کرده‌اند و استفاده از چه نام و عنوانی برای این دولت می‌تواند براساس شواهد و مدارک تاریخی صحیح‌تر و منطبق با دریافت خود عثمانیان باشد.

الگوهای نام‌گذاری سلسله‌ها و دولت‌ها در تاریخ اسلام

در ادوار تاریخی مختلف و به‌طور کلی ادوار پیشامدرن، به دلیل این که عمده دولت‌های حاکم بر مناطق مختلف خاندانی و سلسله‌ای بودند، عنوان خاندانی، قبیله‌ای یا برگرفته از مشهورترین فرد یا بنیان‌گذار آن دولت، به‌عنوان نام مشهور و رایج آن سلسله درمی‌آمد. بر همین اساس نیز نام بسیاری از سلسله‌های مسلمان متأثر از الگوهای نخستین مانند بنی‌امیه و بنی‌عباس یا آل‌عباس با واژگانی همچون «بنی» به معنی اولاد و فرزندان یا «آل» به معنی خاندان، اولاد، سلاله و تبار آغاز می‌شوند که از آن جمله می‌توان به سلسله‌دولت‌های «بنی‌طولون»، «بنی‌اغلب»، «آل‌اخشید»، «آل‌مساfer»، «آل‌بویه»، «بنی‌سلجوق»، «آل‌مظفر»، «آل‌جلایر» و امثال آن اشاره کرد.

در مواردی نیز دولت‌ها از نوع سلسله‌ای غیرخاندانی بوده‌اند که می‌توان به «دوله الأتراک یا «دوله التُرك» در مصر به‌عنوان نمونه شاخص اشاره کرد (نک. ابن‌حبیب، ۱۴۳۵: صفحه عنوان کتاب، ۱/ ۵۷؛ المقریزی، ۱۴۱۸: ۳/ ۳۵۸) که در دوره اخیر اغلب با نام «دولت ممالیک» شناخته می‌شود (نک. باسورث، ۱۳۸۱: ۱۱۰-۱۰۵). باید گفت که با رواج تاریخ‌نگاری‌های غیرعربی در

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۱۹۹

جهان اسلام از جمله در ایران الگوهای ایرانی و فارسی از نام‌گذاری خاندان‌های حکومتگر نیز رواج یافت؛ از این رو، نام‌های فارسی‌شده سلسله‌های مسلمان مانند «عباسیان»، «طاهریان»، «سامانیان»، «ملوک سامانی»، «سلجوقیان»، «خوارزمشاهیان» و موارد مشابه نیز پدیدار و رایج شد (برای نمونه، نک. بیهقی، ۱۳۸۳: ۲۸۸ و ۱۲۷؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۲/ ۵۴۶ و ۵۳۶ و ۴۸۷ و ۳۵۲ و ۳۴۲).

شکل و الگوی دیگر مستعمل در نام‌گذاری خاندان‌ها و قدرت‌های حاکم استفاده از ترکیب‌های مضاف با «دوله»/ «دولت» است که «دوله بنی‌امیه» و «دوله بنی‌عباس»، «الدوله الامویه»، «الدوله العباسیه»، «دوله آل بویه»، «الدوله السلجوقیه» و «الدوله الفاطمیه» از آن جمله هستند (نک. *السجلات المستنصریه*، ۱۹۵۴: ۱۰۹ و ۱۰۴؛ ابن طقطقی، ۱۴۸۱: ۱۸ و ۲۸۱ و ۲۷۰ و ۱۹۷ و ۱۴۶ و ۱۴۰؛ ابن تغری بردی، ۱۴۱۳: ۱/ ۴۰۲). بدین ترتیب می‌توان گفت که ترکیب «دوله» نام سلسله نیز از جمله الگوهای کهن و قدیمی و رایج در بین مورخان مسلمان و تاریخ‌نگاری اسلامی بوده است. در دوران معاصر نیز اغلب از همین ترکیب و الگو برای اشاره به قدرت‌ها و حکومت‌های حاکمه مسلمان استفاده می‌شود.

باتوجه به این که آناتولی از نیمه دوم قرن پنجم هجری و به صورت مشخص پس از جنگ ملازگرد (۴۶۳ق) ضمیمه جهان اسلام شد، به تدریج دولت‌هایی اسلامی در این قسمت از سرزمین‌های اسلامی نیز روی کار آمدند. تاریخ اسلامی آناتولی پیش از قدرت یافتن عثمانیان را می‌توان به سه دوره ملوک الطوائفی نخستین (پیشاسلجوقی)، عصر سلجوقیان روم و نیز دوره ملوک الطوائفی موسوم به دوره بیلگ‌های ترکمن^۱ تقسیم کرد. الگویی که در این ادوار برای نام‌گذاری و نامیدن دولت‌های تأسیس شده در آناتولی استفاده می‌شد و در مدارک و منابع تاریخی نیز بازتاب یافته، مشابه همان الگوی مرسوم در نام‌گذاری دولت‌های اسلامی در سایر نواحی جهان اسلام است. در متون تاریخی دوره عثمانی در حالی که از سلجوقیان با نام عام «آل سلجوق» یاد می‌شود، از دولت سلجوقیان روم با نام‌هایی مانند «ملوک سلجوقیه رومیه» و «دولت آل سلاجقه» (نشری، ۱۹۹۵: ۳۸/۱ و ۲۲) و در تاریخ‌نگاری اواخر دوره عثمانی نیز عنوان «سلاجقه روم» و «حکومت سلجوقیه روم» نام برده شده است. همچنین، برای دولت‌های محلی دوره بیلگ‌های ترکمن نیز نام‌هایی مانند «قرامان اوغوللری»، «قرامانیان»، «آل قرمان» و «قرمانیلر» (نک. غالب، ۱۳۰۷: ۱۱۸ و ۱۱۶ و ۱۱۰ و ۱۰۹ و ۱۰۴ و ۹۹ و ۱۰۵)، «بنی منگوچک» و «بنی دانشمند»، «آل قراسی»، «آل صاروخان»، «آل حمید» و «آل تکه» استفاده می‌شده است (مشکور، ۱۳۵۰: صدوپنجاه و هشت، صدوهفتاد و دو) که نشان‌دهنده بهره‌گیری از همان

1. Beylikler dönemi.

الگوی رایج الگوی «بنی + نام سلسله» و «آل + نام خاندان حاکمه» پیش گفته می‌تواند باشد. نکته مهم حاصل از بررسی الگوهای رایج در نام‌گذاری دولت‌های حاکمه خاندانی در تاریخ اسلام و در مناطق مختلف جهان اسلام و نیز آناتولی این است که نمونه و موردی از استفاده از تعبیر «امپراتوری» به چشم نمی‌خورد. این بدین معنی است که استفاده از این عنوان بر دولت‌های اسلامی مهم و با مرزهای گسترده از سوی تاریخ‌نگاران و پژوهشگران تاریخی معاصر تا حدود زیادی امری متأخر و عمدتاً متأثر از تاریخ‌پژوهی خاورشناسان غربی است تا جایی که در متون متأخر تاریخی (و در اصل مطالعات تاریخی) گاهی تعبیری مانند «امپراتوری صفوی» و مشابه آن (نک. راوندی، ۱۴۰۱: ۶/۱؛ پورایران، ۱۳۸۵: ۱۱۷) به چشم می‌خورد.

آل عثمان: نخستین و با سابقه‌ترین نام عثمانیان

با توجه به این که تاریخ‌نگاری عصر عثمانی نیز متأثر از تاریخ‌نگاری اسلامی و در اصل بخشی از آن محسوب می‌شود (ایپشرلی، ۱۳۹۱: ۱۰۱) مورخان نخستین عثمانی نیز از همان اوایل برای نام‌گذاری سلسله عثمانی از الگوهای رایج در جهان اسلام برای نامیدن دولت‌های مسلمان استفاده کرده‌اند با این تفاوت که در مواردی نیز ترجمه ترکی عثمانی همان الگوها را به کار برده‌اند. بنابر شواهد و اطلاعات موجود در تواریخ نخستین دوره عثمانی، پرکاربردترین و رایج‌ترین عنوان برای عثمانی‌ها نزد مورخان متقدم دوره عثمانی، «آل عثمان» است؛ شکرالله بن شهاب‌الدین احمد (د. ۸۶۸ق) در اثر خود تحت عنوان *بہجت التواریخ*، از نخستین آثار تاریخی نگاشته شده در دوره عثمانی که در اصل اثری در تاریخ عمومی بود، خلاصه تاریخ عثمانی را در ادامه تاریخ سلسله‌های مختلف اسلامی آورده (نک. عبادی، ۱۴۰۲: ۳۷) و باب مربوط به آن را تحت عنوان «در بیان تواریخ سلاطین غزاة آل عثمان تا بایام دولت فخر آل عثمان سلطان محمدخان بن مرادخان خلدالله مملکت» یاد کرده (شکرالله، [بی تا]: برگ ۱۰-۹) که نشان‌دهنده استعمال آل عثمان از سوی این مورخ برای دولت عثمانی است؛ نیز شکرالله، [بی تا]: ۷۲۳ و ۷۱۴). با توجه به فارسی‌بودن این اثر در مواردی نیز از آل عثمان با تعبیر «عثمانیان» (همان: برگ ۶۹۹) یاد می‌شود، ضمن آن که خواجه سعدالدین (د. ۱۰۰۸ق) که اصالتی ایرانی داشت در برخی موارد در متن تاریخی خود از همین نام «عثمانیان» بهره می‌گیرد (سعدالدین، ۱۲۷۹: ۴۰/۱) که نشان‌دهنده تأثیرپذیری از تاریخ‌نگاری ایرانی نیز می‌تواند باشد (نک. دین‌پرست، ۱۳۸۹: ۲۸ به بعد). عاشق پاشازاده (د. ۸۸۹ق) و هم در *تواریخ آل عثمان* خود نیز آشکارا نام رایج آل عثمان را به کار برده است. او در مدخل کتاب در بیان دلایل تألیف آن به نظم بیان می‌کند که «یازدم مناقب ال عثمان/غزاتی کامل خان و سلطان» (عاشق پاشازاده، ۱۳۳۲:

عنوان اثر؛ نیز ۲-۱ و جاهای مختلف).

محمد نشری (د. پس از ۹۲۶ق) نیز در تاریخ عمومی شش جلدی خود *تاریخ جهان‌نما* که صرفاً جلد مربوط به تاریخ دوره عثمانی آن باقی مانده است، شرح رویدادهای این دوره را با این ذکر «هذا کتاب تاریخ آل عثمان» آغاز کرده (نشری، ۱۹۹۵: ۲/۱) و در توضیح دلیل افزودن و روند افزودن تاریخ عثمانیان بر این تاریخ عمومی اسلام عنوان می‌کند، «آل عثمانک تاریخی بو کتاب جهان‌نماده... قسم سادسده افزار اتم»، کما این که در متن اثر نیز بارها از عثمانی‌ها تحت عنوان آل عثمان یاد می‌کند (نک. نشری، ۱۹۹۵: ۱/۶ و ۵۴/۱). اورج‌بک (۹۰۸ق) در *تواریخ آل عثمان* خود مشهور به *اورج‌بک تاریخی*، از همان ابتدا عثمانیان را «آل عثمان» می‌نامد و در متن اثر هم با همان عنوان از آن‌ها یاد می‌کند (اورج‌بک، ۱۳۴۳: ۷۹ و ۴ و ۳). روحی افندی (د. پس از ۹۱۷ق) هم در اثر تاریخی خود افزون‌بر این که در ابتدا عثمانیان را «طائفة علیة عثمانیه» می‌نامد در ادامه به مانند سایر مورخان این دوره عثمانی آن‌ها را «آل عثمان» می‌نامد و «أشرف سلاطین» می‌شمارد (روحی، ۱۹۹۲: [۷ و ۴ و ۳]).

مورخان دیگری مانند نویسنده کتاب *طبقات الممالک* (جلال‌زاده، ۱۹۸۱: 6a)، مؤلف کتاب *تاریخ عثمان پاشا* (د. ۹۹۳ق) (نک. ابوبکرین عبدالله، ۱۳۸۷: ۱۸۶ و ۴۵)، عالی‌افندی مصطفی گلبولولو (د. ۱۰۰۸ق) در *کنه‌الأخبار* (عالی‌افندی، ۱۲۷۷: ۱۵/۵ و ۱۵/۱)، نگارنده *سلانیکه تاریخی* (سلانیکه، ۱۲۸۱: ۳۶۴ و ۱۶۸ و ۱۳۷ و ۱۵) و نیز *صولاق‌زاده* در تألیف خود در تاریخ عثمانی خود (صولاق‌زاده، ۱۲۹۷: ۳-۲) نیز عمدتاً از همین تعبیر و عنوان آل عثمان استفاده کرده‌اند.

خواجه سعدالدین افندی نیز در *مواردی در تاج التواریخ* (نک. سعدالدین، ۱۲۷۹: ۱۳/۱ و ۱۱ و ۸ و ۴)^۱ تعبیر آل عثمان را برای اشاره به عثمانیان به کار می‌برد. در این میان، احمدی تاج‌الدین ابراهیم (د. ۱۴۱۳/۸۱۶) نیز در *بازنمایی منظوم خود* از تاریخ عثمانیان از آغاز تأسیس این سلسله تا جنگ آنقره در *اسکندرنامه*، افزون‌بر این که به این بخش از اثر خود عنوان «داستان تواریخ ملوک آل عثمان» داده، از تعبیر «عثمانلی‌لر / عثمانلر» هم در اثر خود بهره جسته است (احمدی، ۱۹۸۳: 67a، مصرع ۷۷۵۸). نکته مهم دیگر درباره تعبیر «آل عثمان» این که به سبب قدمت و رواج آن نزد مورخان و در تألیفات تاریخی تا اواخر عصر عثمانی کم‌وبیش از آن استفاده می‌شد؛ صبحی محمد افندی (۱۱۸۲ق) در *اثر تاریخ صبحی* (۱۱۹۸: ۲ب) و عبدالرحمن شرف در *تاریخ دولت عثمانیه*، تألیف و منتشر شده در ۱۳۱۵ق (شرف، ۱۳۱۵: ۱۰۵) از این تعبیر آل عثمان استفاده کرده‌اند.

۱. در دعای منظوم برای عثمانیان در *تاج التواریخ* خواجه سعدالدین (۱۲۷۹: ۴۱/۱) نیز از آل عثمان استفاده شده است: «مؤید ایله فضلنکله آلهی [الهی] آل عثمانی مؤید قل مکین تخت شاهی آل عثمانی».

نام‌های معرف عثمانیان در تواریخ عربی و فارسی

با وجود رواج نام آل عثمان در تواریخ و تاریخ‌نگاری عثمانی در ادوار اولیه، در تألیفات تاریخی عربی و فارسی سده‌های نهم و دهم هجری نیز عناوین جالب توجهی که معرف عثمانیان بودند، دیده می‌شود. شباهت و تفاوت در این نام‌ها با نام رایج آل عثمان، نشان‌دهنده نگرش خارج از قلمرو عثمانی نیز می‌تواند باشد. مقریزی (د. ۸۴۵ق) در *السلوک لمعرفة دول الملوك* در حالی که از سلطان مراد دوم به عنوان «ملک الروم به مدینه برصا» یاد می‌کند، برای اشاره به عثمانیان ترجیح داده است از «ملوک الروم» استفاده کند (المقریزی، ۱۴۱۸: ۱۷۶/۷-۱۷۵). نکته قابل توجه در خصوص نام مدنظر مقریزی این که وی پیش‌تر و در همین اثر برای اشاره به سلطان غیاث‌الدین کیخسرو بن قباد (۶۴۳ق)، فرمانروای سلجوقی آناتولی نیز با تعبیر مشابه «ملک الرومیه» استفاده می‌کند (المقریزی، ۱۴۱۸: ۳۸۴/۱). ابن ژئیل (۹۶۰ق) در اثری موسوم به *آخيرة الممالیک أو واقعه السلطان الغوری مع سلیم العثماني* در حالی که گاهی از سلطان سلیم اول به شکل معناداری با نام «ابن عثمان» و «السلطان سلیم بن عثمان» یاد می‌کند، برای ذکر عثمانیان به عنوان یک قدرت از تعبیر منفرد «العثمانیه» استفاده کرده است (ابن ژئیل، ۱۹۹۸: ۹۸ و ۸۴)، در حالی که در گزارش‌های خود درباره رویدادها و جنگ‌های عثمانی و مملوکی منتهی به سقوط ممالیک، برای اشاره به سپاهیان عثمانی از تعبیر «الروم» و «عسکر الروم» استفاده می‌نماید (ابن ژئیل، ۱۹۹۸: ۱۳۵ و ۱۰۴ و ۱۰۱ و ۱۰۰).

ابن‌ایاس (د. ۹۳۰ق) در *بدائع الزهور فی الوقائع الدهور* از عثمانی‌ها با نام «بنی عثمان» ذکر می‌کند و سلاطین عثمانی را «ملوک بنی عثمان» و قلمروشان را «بلاد بنی عثمان» می‌نامد (ابن‌ایاس، ۱۳۸۰، ۷۲/۵)، حال آن که سلطان سلیم اول را «ابن عثمان» و «سلیم شاه بن عثمان» می‌خواند (ابن‌ایاس، ۱۳۸۰: ۸۴/۵-۸۳-۷۷ و ۷۴ و ۷۲) و نویسنده *التحفه البهیة فی تملک آل عثمان الدیار المصریه* علاوه بر این که برای عنوان اثر خود از «آل عثمان» بهره برده، هم‌زمان از تعبیری همچون «دوله آل عثمان» و «الدوله العثمانیه» استفاده کرده است (ابن‌ابی‌السرور، ۲۰۰۵: ۳۱).

نام‌های استفاده‌شده در تواریخ فارسی و ایرانی نیز مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی با منابع و مراجع عثمانی و عربی دارد و به نظر می‌رسد استفاده از «قیصر روم» برای حاکمان عثمانی رواج بیشتری داشته است؛ شرف‌الدین علی یزدی (د. ۸۵۸ق) در *ظفرنامه* به هنگام ذکر وقایع رویارویی سلطان بایزید اول با تیمور گورکانی از وی تحت‌عنوان «قیصر روم» یاد می‌کند (یزدی، ۱۸۸۷: ۲۹/۲ و ۴۲۰). دورازذهن نیست که استفاده از تعبیر «قیصر» از سوی این مورخ متمایل به تیمور گورکانی به صورت هدفمند و برای ایجاد نوعی از تقارن بین عثمانیان و قیصرهای روم یا همان امپراتوری بیزانس که غیرمسلمان و مسیحی بودند، استفاده شده باشد.

استفاده از قیصر روم برای عثمانیان در سنت تاریخ‌نگاری ایرانی استمرار داشته است تا جایی که مورخان دوره صفوی نیز در آثار خود از این تعبیر استفاده کرده‌اند (به‌عنوان نمونه نک. الحسینی التفرشی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). افزون‌بر این، نام‌های دیگری همچون «بنی عثمان» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۸۷/۳) و «سلاطین روم» (خواندمیر، ۱۳۷۰: ۸۶؛ روملو، ۱۳۵۷: ۱۸۹) نیز از سوی مورخان ایرانی برای این سلسله استفاده شده است. در این بین، در آثار متقدم فارسی نیز «سلاطین روم» برای اشاره به سلجوقیان روم استفاده می‌شد (نک. رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۵۸۳/۱)؛ همچنین در نگاشته‌های فارسی ادوار بعدی «ممالک بنی عثمان»، «بلاد بنی عثمان» و «مملکت بنی عثمان» برای اشاره به قلمرو عثمانی به چشم می‌خورد (نک. رضاقلی میرزا، ۱۳۷۳: ۶۷۹ و ۶۷۸ و ۴۸۵).

بیلیک عثمانی: نامی مناسب برای ایام نخستین شکل‌گیری

یکی از مسائلی که درخصوص نام و عنوان دولت عثمانی باید در نظر گرفت این که نام این دولت براساس و متناسب با قلمرو، قدرت و ماهیت و جایگاه آن طی ادوار مختلف و در یک بازه زمانی بیش از شش سده، تغییر و دگرگونی‌هایی را تجربه کرده و متناسب با آن در مراجع و تواریخ دوره عثمانی انعکاس یافته است، کمالینکه در مطالعات نیز تا حدود زیادی همین تغییر تحول در نام این دولت مدنظر قرار می‌گیرد. در اواخر دوره سلاجقه روم و نیمه دوم قرن هفتم هجری، در نواحی مختلف آسیای صغیر به تدریج دولت‌های محلی نیمه‌مستقل و مستقلی، عمدتاً از سوی طوائف مختلف ترکمن و افراد وابسته بدان‌ها تشکیل می‌شوند؛ از این رو، دوره‌ای از ملوک‌الطوائفی در این منطقه پدیدار گردید. در متون متقدم این دولت‌ها تحت‌عنوان «طوائف ملوک» یاد می‌شود (کوبریلی‌زاده، ۱۹۲۶: ۱؛ Uzunçarşılı, 1937, xii). به‌همین دلیل نیز ابن بطوطه از اورخان‌بیگ (حک. ۷۶۱-۷۲۴ق) با عنوان «اکبر ملوک التترکمان» یاد می‌کند (ابن بطوطه، ۱۴۰۷: ۳۱۵/۱). از این دولت‌های ملوک‌الطوائفی آسیای صغیر با عنوان «بیلیک‌های آناتولی»^۱ و «بیلیک‌های ترکمن»^۲ (نک. Uzunçarşılı, 1937: xi; Merçil ve diğerleri, 1991: 37; Emecen, 2001, 37) و از این مقطع از تاریخ این منطقه در دوره اسلامی تحت‌عنوان «دوره بیلیک‌های ترکمن»^۳ ذکر می‌شود.^۴

باتوجه به این که دولت عثمانی نیز در مراحل نخستین شکل‌گیری خود، یکی از طوائف

1. Anadolu Beylikleri.

2. Türkmen Beylikleri.

3. Türkmen Beylikleri Dönemi.

۴. در دوره پیش از ظهور دولت سلاجقه روم و تسلط آن‌ها بر بخش‌های زیادی از آناتولی دوره‌ای از ملوک‌الطوائفی ترکمن در آسیای صغیر وجود داشت که از این دولت‌ها نیز گاهی تحت‌عنوان «نخستین دولت‌های ترک / İlk Türk beylikleri» یاد می‌شود.

ملوک ترکمن آناتولی یا بیلک‌های ترکمن به‌شمار می‌رفت، در متون مطالعاتی اغلب به‌درستی با تعبیر «بیلک عثمانی»^۱ از آن یاد می‌شود (نک. Uzunçarşılı, *Osmanlı Tarihi*, c. 1/117; Emecen, 2001: 25)؛ از این رو، در نگاشته‌های کنونی ایرانی نیز شکل فارسی شده بیلک عثمانی یعنی «امیرنشین عثمانی» رواج بیشتری دارد (نک. حضرتی، ۱۳۸۹، ۹۹)، هر چند که «بیلک عثمانی» نیز به تدریج مورد استفاده قرار می‌گیرد (نک. عبادی، ۱۴۰۲: ۸۳). نکته قابل توجه مرتبط با این بحث این که مورخان عثمانی نخستین به‌واسطه بیلک و امیرنشین بودن آن ترجیح داده‌اند از بیک‌های عثمانی نخستین اغلب با لقب «غازی» یاد کنند (عاشق‌پاشازاده، ۱۳۳۲: ۳؛ نشری، ۱۹۹۵: ۷۲/۱؛ اوروج‌بک، ۱۳۴۳: ۷)، همان‌طور که گاهی صرفاً از لقب «بیک» برای آن‌ها استفاده شده است. براین اساس، برای دوره نخستین تاریخ عثمانی و دوره شکل‌گیری این دولت، اسامی مانند بیلک عثمانی (عثمانلی بیلکی^۲)، امارت عثمانی (عثمانلی امارتی)، عثمان‌اوغوللاری^۳ (عثمان‌اوغوللاری بیلکی^۴) تطابق بیشتری دارد، به همین دلیل نیز در مطالعات مربوط به تاریخ عثمانی در ادوار نخستین نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند (نک. طه‌زاده عمر فاروق، ۱۳۲۵: ۱/ ۵۱-۵۰ و ۳۹ و ۳۴ و ۲۱؛ کوبریلی‌زاده، ۱۹۲۶: ۱).

با وجود همه این ملاحظات، در برخی منابع برای همین مقطع زمانی از تاریخ عثمانی و نیز دوره‌ای که دولت عثمانی در مرحله دگرگونی/ دگردیسی به دولتی با قلمروی مشخص و تشکیلاتی منسجم قرار گرفته بود، در برخی منابع از آن با نام‌هایی همچون «ملوک آل عثمان» و «الملوک العثمانیه» (نشانجی‌زاده، ۱۲۶۹: ۱/۳ و ۵/۱) یاد می‌شود.

دولت عثمانیه: متناسب‌ترین نام برای حاکمیت عثمانی

اما از زمان تبدیل بیلک عثمانی به سلطنت و دولت عثمانی از حدود دوره مراد خداوندگار (حک. ۷۹۱-۷۶۱ق) و بیلدرم بایزید اول (حک. ۸۰۴-۷۹۱ق) به بعد، در گزارش‌ها، روایت‌ها و نگاشته‌های تاریخی نیز نام مربوط به این سلسله با تغییراتی همراه می‌شد که به نوعی نشان‌دهنده تحول صورت گرفته در ماهیت حاکمیت عثمانی است. به‌رغم این که همچنان تعبیر آل عثمان رواج داشته، اما به تدریج واژه «دولت» به نام این سلسله افزوده می‌شود. در واقع از این دوره به بعد، به‌رغم تعدد در شکل و ساختار نام‌های به کار گرفته شده برای عثمانیان، مهم‌ترین نکته حضور همین کلمه «دولت» در آن‌ها و اشاره بدان به عنوان سلطنت (و نه بیلک) و نام‌بردن از فرمانروایان عثمانی با لقب سلطان و تعابیر مشابه آن است.

1. Osmanlı Beyliği.
2. Osmanlı Beyliği.
3. Osmanogulları.
4. Osmanogulları Beyliği.

از جمله آثار تاریخ‌نگارانه شاخصی که در این زمینه می‌توان بدان‌ها اشاره کرد اثر مشهور *تاج‌التواریخ* نگاشته‌شده خواجه سعدالدین است که یکی از آثار مهم و معتبر تاریخی مربوط به دوره متقدم (کلاسیک) عثمانی محسوب می‌شود. مؤلف این اثر، به‌رغم به‌کاربردن آل‌عثمان که به‌صورت نامی رایج برای سلسله عثمانی بود (نک. سطور پیشین)، در موارد متعدد و پرشماری بیان رویدادهای تاریخی دوره متقدم عثمانی از «دولت عثمانیه» استفاده می‌کند (نک. سعدالدین، ۱۲۷۹: ۲/ ۴۰۴ و ۳۸۸ و ۲۹۷ و ۱/ ۵۵۳ و ۴۱۲ و ۱۹۶ و ۸۰ و ۸۰ و ۴۷). عالی‌افندی مورخ شهیر معاصر خواجه سعدالدین نیز در *کنه‌التواریخ* از همین تعبیر دولت عثمانیه استفاده می‌کند (عالی‌افندی، ۱۲۷۷: ۵/ ۱۲). افزون‌بر این، از آنجاکه می‌توان اغلب نام رسمی و مورد تأیید دولت‌ها برای خودشان را در اسناد تولیدشده در دستگاه دیوان‌سالارانه و اداری آن‌ها مشاهده کرد، در نامه و مکاتبات عثمانیان در این دوره نیز اغلب از همین نام «دولت عثمانیه» استفاده شده است (نک. فریدون‌بک، ۱۲۷۴: ۲/ ۳۱۱ و ۱/ ۱۹۳ و ۱۵۱ و ۸۹ و ۱۶). این بدین معنی می‌تواند باشد که در این دوران دولت عثمانیه به‌عنوان نام رسمی این دولت به رسمیت شناخته شده بود. نکته جالب‌توجه این که در برخی متون اشکال و ترکیب‌های دیگری نیز برای اشاره به دولت عثمانی در این دوره در متون به چشم می‌خورد که «دولت آل‌عثمان»، به‌عنوان نمونه: (نک. نشانجی، ۱۲۹۰: ۹۳؛ کاتب‌چلبی، ۱۱۴۶: ۸۸) و «سلطنت عثمانی» (نک. بدلیسی، ۱۰۸۴: ۱۴؛ قره‌چلبی‌زاده، ۱۲۴۸: ۵) از آن جمله است. نکته مهم دیگر این که برخلاف دوره بیلکی، از این دوره به بعد برای حاکمان عثمانی از لقب سلطان استفاده می‌شود (نک. فریدون‌بک، ۱۲۷۴: ۱/ ۱۷-۵) و از آن‌ها با نام و عنوان «سلاطین آل‌عثمان» یاد می‌گردد (قره‌چلبی‌زاده، ۱۲۴۸: ۱۲). تمایز حاکمان عثمانی اولیه به‌عنوان بیگ با سلاطین بعدی عثمانی، نکته‌ای بوده که مورد توجه برخی مورخان عثمانی متقدم قرار گرفته است که استفاده از تعبیر «آل‌عثمان بکلری و پادشاهلری» در برخی متون بدین مهم اشاره دارد (بشیر چلبی، ۱۹۴۶: برگ ۴).

ادریس بدلیسی (د. ۹۲۶ق) مورخ و دولتمرد ایرانی‌الاصل و آشنا با دقایق سیاست و تاریخ‌نگاری، در اثر مهم خود در تاریخ سلاطین عثمانی به زبان فارسی موسوم به *هشت بهشت*، متأثر از ادبیات تاریخی ایرانی در ابتدا از قلمرو عثمانیان اوایل قرن دهم هجری به‌صورت «ممالک و ولایات مأنوسه کشور روم» و از فرمانروایان عثمانی این دیار با القابی چون «خاندان قیصری اسلام و آن دودمان خسروان سکندر مقام» یاد می‌کند (ادریسی، ۱۰۸۴: برگ ۱۲)، اما در ادامه از این دولت با عنوان «دولت آل‌عثمان» و «سلاطین آل‌عثمان» (ادریسی، ۱۰۸۴: برگ ۲۴ و ۱۷) نام می‌برد.^۱ کاربرد این تعبیر از سوی ادریس بدلیسی از این جهت حائز

۱. این ابیات در نعت و توصیف عثمانیان از سوی بدلیسی نیز می‌تواند جالب‌توجه باشد:

اهمیت است که وی به‌عنوان یک ایرانی مهاجر که درصدد نگارش تاریخ عثمانی برآمده، به‌احتمال زیاد تلاش داشته است از اسامی و نام‌های رایج در قلمرو عثمانی در این مقطع زمانی استفاده نماید. نکته مهم دیگر این که بدلیسی به‌تصریح خود ابتدا درصدد بود عنوان کتاب خود را به‌جای هشت بهشت به فارسی، به زبان عربی «الصفات الثمانيه في ذكر القياصرة العثمانيه» نام نهد و ظاهراً به‌همین دلیل نیز در متن در مواردی از همین عنوان برای اشاره به کتاب خود استفاده می‌کند (ادریسی، ۱۰۸۴: برگ ۱۶ و ۳۲).

خواجه سعدالدین که اجداد وی ایرانی بودند و در نگارش تاریخ عثمانی متأثر از ادریس بدلیسی است، در گزارش تاریخ ایام قدرتمندی عثمانیان از سلاطین عثمانی با عنوان «قیاصره عثمانی»، «شاهان عثمانی» و نیز «سلاطین عثمانیه» یاد می‌کند (خواجه سعدالدین، ۱۲۷۹: ۱/ ۴۱ و ۴۰ و ۳۹). نکته پایانی درباره نام «دولت عثمانیه» این که این نام تا برافتادن این دولت همواره در متون و مراجع ادوار مختلف استفاده شده است (به‌عنوان نمونه نک. خیرالله‌افندی، [۱۲۸۱]: ۷/ ۹۰ و ۸۹ و ۵۸ و جاهای دیگر، ۱۱/ ۲۹ و ۲۳ و ۲ و جاهای دیگر؛ جودت پاشا، ۱۳۰۹: ۲/ ۸۷ و ۶۳ و ۴۱ و ۲۲ و جاهای دیگر؛ کامل پاشا، ۱۳۲۷: ۳/ ۱۲۰ و ۲۷؛ شرف، ۱۳۱۵: عنوان اثر، ۷۶/ ۱ و جاهای متعدد؛ نوری، ۱۳۲۷: ۳۰ و ۱۸ و ۱۷ و ۶ و جاهای دیگر؛ حقی پاشا، ۱۳۰۵: ۳/ ۲۸۰ و ۲۶۴ و ۲۵۲ و جاهای دیگر).

ذکر این مهم نیز خالی از لطف نیست که در این دوره متأخر در برخی متون ترکیب ترکی عثمانلی دولتی و نیز گاهی «عثمانی حکومتی» و در مواردی حتی «آل عثمان دولتی» نیز در متون دیده می‌شود (به‌عنوان نمونه نک. جودت پاشا، ۱۳۰۹، ۱۱۱/ ۷ و ۲۴؛ طه‌زاده عمر فاروق، ۱۳۲۵: ۳۲۱ و ۳۲۰ و ۲۹۸ و ۲۴۳ و ۱۶۵؛ رفیق، ۱۳۳۰: ۱۷۳ و ۱۴۱ و جاهای دیگر؛ راسم، ۱۳۲۸: ۲/ ۹۷۶ و ۱۰۸/ ۱ و ۶۷ و ۳۸) در این دوره همچنین واژه‌های «عثمانلی» و «عثمانلی پادشاهلری» نیز به‌تدریج در متن تاریخی پدیدار می‌گردد (نک. رفیق، ۱۳۳۰: ۱۵۲ و ۱۵۰ و ۱۴۳ و ۱۴۱ و جاهای دیگر؛ راسم، ۱۳۲۸: ۱/ ۸۱) که نشان‌دهنده تغییر ذائقه مورخان و تمایل آن‌ها به شکل ترکی نام‌های مربوط به عثمانیان و دولت آن‌ها می‌تواند باشد. با همه این اوصاف، به‌رغم قدمت و تقدم تاریخی نام «آل عثمان»، به‌دلیل کاربرد پرشمار و مستمر «دولت عثمانیه» می‌توان گفت که این تعبیر، مناسب‌ترین نام برای دولت و سلسله مذکور می‌تواند باشد که به‌جز برای مقطع تاریخی امیرنشین بودن آن، جامع شرایط و ماهیت حاکمیت عثمانیان در اغلب دوره‌های تاریخ عثمانی است، به‌ویژه این که در سکه‌ها و نشان‌های رسمی هم از تعبیر «دولت عثمانیه»

«آل عثمان لفتح الروم قد استظرو» کلهم سلطان اسلام ولكن قيصر

از جهاد و نصرت دین نبی در بحر و بر خاندان آل عثمان شد خلافت را مقرر» (بدلیسی، ۱۰۸۴: برگ ۳۱).

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۲۰۷

و شکل عربی آن به صورت «الدوله العثمانیه» استفاده شده است (نک. غالب، ۱۳۰۷: ۵۰۰ و ۴۹۸).

دولت عَلِیَّة عثمانیه: بدیل امپراتوری عثمانی و عنوان رسمی ایام متأخر

تغییر و تحول در نام عثمانیان بعد از مصطلح و رایج شدن دولت عثمانیه، مرحله دیگری را نیز تجربه کرده که در منابع و مراجع تاریخی نیز بازتاب پیدا کرده است. عثمانیان از زمانی که احساس می‌کردند در زمره قدرتمندترین دولت‌های اسلامی و جهان آن روز هستند، درصدد بودند به نحوی این مهم را در نام و عنوان دولت خود بازتاب دهند. به همین دلیل نیز در *قانون‌نامه آل عثمان* محمد فاتح از دولت عثمانی تحت عنوان «نظام عالم»، به معنی مهم‌ترین رکن و قدرت سیاسی جهان یاد می‌شود (نک. *قانون‌نامه آل عثمان*، ۱۳۳۰: ۲۷؛ نیز نک. پجوی، ۱۲۸۳: ۱ / ۳۰۴). با این اوصاف، در اواخر دوران متأخر عثمانی و احتمالاً به واسطه مواجهه با تعبیر «امپراتوری عثمانی» که اروپاییان برای دولت عثمانی به کار می‌بردند، به تدریج این اندیشه مطرح شد که بدیلی مناسب به زبان ترکی عثمانی و متناسب با سنت‌های اسلامی برای آن در نظر گرفته شود که در عین حال تداعی‌گر برتری دولت عثمانی بر سایر دولت‌ها هم باشد؛ از این رو، ترکیب «دولت عَلِیَّة عثمانیه» که در ادوار قبل گاهی در منابع تاریخی و نیز مکاتبات رسمی استفاده می‌شد، رواج بیشتری یافت و رفته‌رفته حتی به صورت عنوان رسمی این دولت درآمد. این نام افزون‌بر این که ویژگی‌های مدنظر عثمانیان را در برداشت، از قدمت تاریخی هم برخوردار بود؛ بنابر شواهد موجود در منابع، احتمالاً *غزوات سلیمان* قاضی‌زاده اردبیلی (د. ۹۳۰ق)، وقایع‌نویس ایرانی جنگ‌های سلطان سلیم اول در شامات و مصر، باید از جمله متون تاریخی متقدمی باشد که در آن از دولت عثمانی با نام «دولت عَلِیَّة عثمانیه» نیز یاد شده است (قاضی‌زاده اردبیلی، ۱۴۰۰: ۷۵). علاوه بر این، در مکاتبات عثمانی‌ها با فرمانروایان و دولت‌های اروپایی در عصر متقدم هم از جمله حاکم اردل (منطقه واقع در غرب رومانی امروزی)، نیز مواردی از استفاده از دولت علیه عثمانیه دیده می‌شود (فریدون‌بک، ۱۲۷۴: ۲/۳۹۰ و ۳۶۴ و ۳۱۳ و ۳۱۱ و ۳۱۰)، کمالین که در مواردی در مکاتبه با پادشاهان صفوی نیز از همین عنوان استفاده شده است (فریدون‌بک، ۱۲۷۴: ۲/۲۵۸ و ۲۱۳ و ۱۶۰).

به‌طور کلی در متون رسمی و نیز تاریخی این دوره، در کنار استفاده از عناوین مرسوم دیگر مانند «دولت عثمانیه»، «حکومت عثمانیه» و «عثمانلی دولتی»، استفاده از نام «دولت عَلِیَّة عثمانیه» و همچنین اغلب شکل مختصرشده آن به صورت «دولت علیه» رفته‌رفته رواج یافت (نک. راسم، ۱۳۴۲: ۸۶ و ۱۲ و ۱۰ و ۸؛ شرف، ۱۳۱۵: ۶۰/۱). در واقع، با تکیه بر سابقه تاریخی

این عنوان، ترجیح بر این بود که تعبیر «دولت علیّه عثمانیه»، «دولت علیّه» و نیز گاهی شکل عربی آن یعنی «الدوله العلیه العثمانیه» در متون، مکاتبات و نگاهشده‌های تاریخی به کار گرفته شود که در عین حال نشانگر عظمت، قدرت و برتری دولت عثمانی بودند (نک. فریدون‌بک، ۱۲۷۴: ۱/۱۶؛ نعیم، ۱۲۸۱: ۷/۱؛ راشد، ۱۲۸۲: ۱/۱۰ و ۵-۴، ۲؛ شانی‌زاده، ۱۲۹۰: ۳/۱، ۸؛ جودت پاشا، ۱۳۰۹: ۱۴/۱-۱۸ و ۱۰ و ۵ و ۴ و ۳؛ محررات رسمیه، ۱۲۸۸: ۲۴ و ۱۸ و ۱۶ و جاهای دیگر).

در اواخر دوره عثمانیان سال‌نامه‌های متعددی، مشتمل بر گزارش‌های مهم مسائل و رویدادهای دولت و قلمرو عثمانی منتشر می‌شده است که در اکثر آن‌ها هم نام این دولت به شکل «دولت علیّه عثمانیه» درج می‌گردد (به عنوان نمونه نک. ۱۳۱۹ سنه هجریه سنه مخصوص سال‌نامه دولت علیّه عثمانیه: عنوان؛ ۱۳۳۳-۱۳۳۴ سنه مالیه سال‌نامه دولت علیّه عثمانیه: صفحه عنوان). نکته بسیار مهم دیگر درباره «دولت علیّه عثمانیه» این که استفاده از آن تا بدان‌جا رواج و حتی رسمیت پیدا کرده بود که در متون ترجمه‌ای به ترکی عثمانی نیز به صورت آگاهانه به عنوان معادل مدنظر تعبیر اروپایی‌ها برای دولت عثمانی در نظر گرفته شد (نک. سزائی، ۱۲۷۰: ۳ و ۲۷)؛ تأکید بر عدم استفاده از نام‌های اروپایی برای دولت عثمانی تا حدی مورد تأکید بود که شمس‌الدین سامی در اثر مهم خود قاموس الاعلام، در ابتدای مدخل «عثمانی»، تعبیر «دولت عثمانیه» را مترادف Ottoman Empire دانسته و در معرفی آن، «دونیانک آک بیوک اسکی دولتر نندن اولوب» معرفی کرده است (سامی، ۱۳۱۱: ۳۱۳۰/۴).

احتراز از استفاده از «امپراتوری عثمانی» به شکل آگاهانه و هدفمند در برگردان اثر مهم و برجسته یوزف فون هامرپورگشتال^۱ در تاریخ عثمانی تحت عنوان تاریخ امپراتوری عثمانی^۲ به زبان ترکی عثمانی نیز جلب توجه می‌کند تا جایی که به جای ترجمه عنوان این کتاب ترجیح داده شده است عنوان این اثر به صورت «تاریخ دولت عثمانیه» درج گردد (نک. هامر: ۱/ عنوان کتاب، نیز سایر جلد‌های اثر). خودداری از استفاده از تعبیر «امپراتوری» برای عثمانیان به گونه‌ای در ادبیات تاریخی اواخر عثمانی تثبیت شده بود که در ترجمه کتاب سلسله‌های مسلمان^۳ استنلی لین-پول نیز که پس از برافتادن دولت عثمانی و در ۱۳۴۵ (۱۹۲۷) منتشر شده، معادل Ottoman Empire به صورت عامدانه «دولت عثمانیه» درج شده است (لین-پول، ۱۳۴۵: ۳۲۳ و ۳۲۲-۳۲۱ و ۳۲۱؛ قس. همو: ۱۹۲ و ۱۸۹ و ۱۸۶). با این احوال، نباید این واقعیت را نیز نادیده گرفت که مواردی از کاربرد تعبیر مشابه امپراتوری عثمانی متون غربی و اروپایی

1. Joseph von Hammer-Purgstall.
2. Geschichte des osmanischen Reiches/ Histoire de l'Empire ottoman.
3. The Mohammadan dynasties.

در ادبیات تاریخی اواخر عصر عثمانی به چشم می‌خورد که بدین معنی است که به‌رغم همه تلاش‌ها برای استفاده از نام‌های «دولت عثمانیه» و به‌ویژه «دولت علیّه عثمانیه» متون تاریخی نیز از رویکردهای تاریخ‌نگارانه غربی در ارتباط با نام این دولت تأثیرهایی پذیرفتند.

ازجمله نخستین متونی که در اواخر دوره عثمانی در آن از دولت عثمانی تحت‌عنوان «عثمانلی امپراطورلغی» یاد می‌شود، کتاب *تاریخ حرب به قلم عثمان ثنایی* است (ثنایی، ۱۳۱۵: ۱۳۲/۲). در واقع در این دوره به‌صورت جسته و گریخته این نام جدید و البته غریب در برخی متون مورد استفاده مؤلفان قرار می‌گیرد؛ استفاده احمد رفیق در کتاب *لاله‌دوری* (رفیق، ۱۳۳۱: ۶) و احمد راسم در *استبداددن حاکمیت ملّیه‌یه* (نک. راسم، ۱۳۴۲: ۲۲۱) از «عثمانلی ایمرپاتورلغی» ازجمله این موارد است. با این احوال، به‌نظر می‌رسد به‌احتمال زیاد استفاده از این تعبیر (عثمانلی ایمرپاتورلغی)، مقارن برافتادن دولت عثمانی و ایام پس از آن در متون تاریخی و نیز سیاسی به زبان ترکی عثمانی و به تبعیت از متون غربی و اروپایی در حال رواج بود (نک. کریم، ۱۹۲۷: ۱۲) تا جایی که حتی در برخی سخنرانی‌های مصطفی کمال پاشا نیز از این تعبیر یاد شده است (غازی مصطفی کمال، ۱۹۲۷: ۳۸۴).

به نظر می‌رسد تحت‌تأثیر این تحولات عونی‌بک مترجم کتاب *جهان تاریخ‌نک عمومی خطلری*^۱ تألیف ه.ع. وهلس^۲ و منتشر شده در ۱۹۲۷م نیز در برگردان قسمت‌های مرتبط اثر با عثمانیان، که از «عثمانلی امپراطورلغی» استفاده می‌نماید (وهلس، ۱۹۲۷: III/۱ و III/۳ و ۱۷۰/۳ و ۱۶۸؛ نیز نک. آدم، ۱۳۳۹: ۱۰۱-۱۰۰ و ۹۸ و ۶۲-۶۱ که به‌عنوان متن ترجمه‌شده در آن نیز عثمانلی ایمرپاتورلغی استفاده می‌شود).

شاید بتوان گفت که استفاده از این نام برای عثمانیان در متون دوران پساعثمانی، به‌مانند بسیاری از وجوه فرهنگی و اجتماعی، خود نشانه دیگری از گسستن عامدانه از پیوندهای آن دوره ازجمله نگارش تاریخ آن دوره باشد و به‌دنبال آن ذهنیت جدیدی از عثمانیان و ماهیت حکومت و دوره آن‌ها ایجاد می‌شد (نک. کوک‌آلپ‌بک، ۱۳۳۹: ۹)؛ حال آن که مورخان متأخر تاریخ عثمانی همچنان به‌مانند اسلاف خود استفاده از «دولت عثمانیه» را ترجیح می‌دادند (نک. عاصم و عارف، ۱۳۳۵: ۵۴۷/۱ و ۵۳۷؛ رشید، ۱۳۲۸: ۱۱؛ وفیق‌بک، ۱۳۳۰: ۶). با این تفصیلات تا حدود زیادی روشن می‌شود استفاده از *Osmanlı İmparatorluğu* در اغلب نگاه‌ها و تألیفات درباره عثمانیان در ترکیه معاصر و کنونی، عمدتاً تحت‌تأثیر ادبیات و تاریخ‌نگاری غربی و اروپایی درباره این دولت و تاریخ آن است که بنابر الزامات و سنن و رویکردهای خاص آن مورخان اروپایی در آثارشان از عثمانیان با نام‌های *Ottomans*، *Ottoman Turks* و از

1. The Outline of History: Being a Plain History of Life and Mankind.

2. Herbert George Wells.

دولت عثمانی با عنوان Ottoman Empire و نیز در مواردی نیز Turks یاد می‌کنند (نک. Doukas, 1975, 59; Spandounes, 9; Creasy, 1854, 2; Miller, 1923; Lane-Poole, 1894, 188-189, 177, 186).

ترجیح تاریخ‌پژوهان معاصر و کنونی ترکیه بر امپراتوری نامیدن دولت عثمانی، در واقع نشان‌دهنده انقطاع بین آن‌ها با تاریخ‌نگاری دوره عثمانیان و سنن مرسوم آن، متأثر از عوامل مختلف سیاسی، تاریخی و فرهنگی نیز می‌تواند باشد که تا حدود زیادی در تغییر در نام و عنوان این دولت به شکل «امپراتوری عثمانی» در آثار آن‌ها پدیدار شده و موجب شده تا در سایر تألیفات سایر کشورهای اسلامی از جمله ایران نیز به‌کارگیری نام مذکور برای این دولت اسلامی رواج یابد.

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه از بررسی نام و عنوان سلسله عثمانی از منابع برمی‌آید با وجود این که نام‌های مختلف و متعدد در منابع برای اشاره به این دولت وجود دارد، اما در منابع عثمانی و نیز اسلامی از عنوان «امپراتوری عثمانی» استفاده نشده است. در منابع متقدم عثمانی و نیز عمدتاً در ادوار بعدی و نیز متأخر «آل عثمان» نام رایجی در منابع تاریخی و در تاریخ‌نگاری عصر عثمانی محسوب می‌شود. این عنوان و مشابه آن یعنی «بنی عثمان» که عمدتاً در منابع تاریخی خارج از قلمرو عثمانی استفاده شده است متناسب با الگوی نام‌گذاری دولت‌ها و خاندانی حکومتگر در دوره اسلامی است. با این اوصاف، در دوران مشهور به طوائف ملوک که به دوره بیلک‌های ترکمن مشهور است به‌واسطه این که امارت عثمانی یکی از همین بیلک‌ها محسوب می‌شود باید آن را بیلک عثمانی نامید. اما در ایام و ادوار بعد از تبدیل این بیلک به دولت، در منابع تاریخ‌نگارانه و نیز مکاتبات رسمی از نام «دولت عثمانیه» استفاده شده است. در همین دوره نیز به تدریج تعبیر «دولت علیه عثمانیه» در برخی مراجع به چشم می‌خورد. اما در دو سده پایانی حیات دولت عثمانی، استفاده از این نام اخیر رواج بیشتری یافت تا جایی که افزون بر منابع تاریخ‌نگارانه، در اسناد و نشان‌های دولتی و رسمی نیز از آن استفاده می‌شد. با وجود این که به‌صورت موردی در برخی نگاشته‌های تاریخی و شبه‌تاریخی از تعبیر «عثمانلی امپراتورلی» به معنی امپراتوری عثمانی استفاده شده است، اما به نظر می‌رسد به‌صورت تعمدی و آگاهانه مورخان دوره عثمانی تلاش داشتند از تعبیری که خاستگاهی غیر از سنن رایج دوره اسلامی دارد برای اشاره به سلاطین مسلمان و دولت اسلامی عثمانی استفاده نکنند؛ از این رو، شایسته است در مطالعات مربوط به این سلسله، با آگاهی از رویکردهای تاریخ‌نگاری دوره عثمانی و نیز سنن رایج در تاریخ‌نگاری عربی و فارسی مربوط بدان، به‌جای نام

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۲۱۱

«امپراتوری عثمانی» از تعابیر متناسب با پیشینه تاریخی در تاریخ‌نگاری اسلامی و عثمانی مانند «آل عثمان»، «دولت عثمانیه» (و شکل فارسی آن یعنی «دولت عثمانی» و نیز «دولت علیه عثمانیه» استفاده شود.

منابع

- ابن ابی‌السرور، محمد (۲۰۰۵) *التحفه البهیه فی تملک آل عثمان الدیار المصریه*، تحقیق عبدالرحیم عبدالرحمان عبدالرحیم، القاهرة: دارالکتب و الوثائق القومیه.
- ابن ایاس الحنفی، محمد بن احمد (۱۳۸۰/۱۹۶۱) *بدائع الزهور فی الوقائع الدهور*، تحقیق محمد مصطفی، القاهرة: الجمعیه المصریه للدراسات التاريخیه.
- ابن تغری بردی، یوسف بن تغری بردی (۱۴۱۳/۱۹۹۲) *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حبیب، الحسن بن عمر (۱۴۳۵/۲۰۱۴) *دُرّة الاسلاک فی دوله الاتراک*، حققه محمد محمدامین، القاهرة: مطبعه دارالکتب و الوثائق القومیه.
- ابن زُنبُل الرمال، احمد بن علی (۱۹۹۸) *آنحیره الممالیک أو واقعه السلطان الغوری مع سلیم العثماني*، تحقیق عبدالمنعم عامر، القاهرة: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- ابن الطُّطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۴۸۱/۱۹۹۷) *الفخری فی الآداب السُلطانیه و الدول الاسلامیه*، حققه عبدالقادر محمد مایو، حلب: دارالقلم العربی.
- ابوبکر بن عبدالله (۱۳۸۷) *تاریخ عثمان پاشا*، به کوشش یونس زبرک، ترجمه دکتر نصرالله صالحی، تهران: طهوری.
- احمدی (۱۹۸۳) *اسکندرنامه*، منتشر شده با مشخصات:
- Ahmedi İskender-Name, 1983, yay. haz. İsmail Ünver, Ankara, Türk Dil Kurumu.
- امامی خوبی، محمد تقی (۱۳۹۵) *تاریخ امپراتوری عثمانی*، تهران: سمت.
- اوروج‌بک، بن عادل القزّاز کاتب الادرنوی (۱۳۴۳ق/۱۹۲۵م) *تواریخ آل عثمان*، [تصحیح] فرانتس بابینغه‌ر، هانوفر: شرق کتب‌خانه‌سی.
- ایپشرلی، محمد (۱۳۹۱) «مروری بر تاریخ‌نگاری عثمانی»، *تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی*، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- آدم، هابل (۱۳۳۹) *آنقره و آروپا سیاستی*، [بی‌جا]: قدر مطبعه‌سی.
- باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۸۱) *سلسله‌های اسلامی جدید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی ایران و اسلام.
- بدلیسی، ادیس بن حسام‌الدین (۱۰۸۴ق) *هشت بهشت*، به کتابت محمد معصوم زنوزی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه شماره ۸۷۶۲.

۲۱۲ / از آل عثمان تا امپراتوری عثمانی؛ نام‌شناسی تاریخ‌نگارانه / عبادی

برنامه درسی مقطع دکترای تاریخ اسلام، مصوبه هشتصد و چهلین جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری (۱۳۹۲/۰۵/۲۷)، قابل دسترسی از طریق:

https://hes.msrt.ir/GetFile.php?ClassName=Education&FileIndex=Educ_6549&URL=/T_Education/Educ_6549_0.pdf

بشیر چلبی (۱۹۴۶) *تواریخ آل عثمان*: منتشر شده به مشخصات:

Tevarih-i Al-i 'Osman, 1946, nşr. İsmail Hikmet Ertaylan, İstanbul, İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi.

بیهقی، ابوالفضل (۱۳۸۳) *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی.

پچوی، ابراهیم (۱۲۸۳) *تاریخ پچوی*، استانبول: مطبعه عامره.

پورایران، عباس (۱۳۸۵) *روابط ایران و عثمانی در عهد صفویان*، ایران: دستور.

ثنایی، عثمان (۱۳۱۵) *قسطنطنیه: شرکت مرتبه مطبعه‌سی*.

جلال‌زاده، مصطفی چلبی (۱۹۸۱) *طبقات الممالک و درجات المسالک*، منتشر شده به مشخصات:

Geschichte Sultan Süleyman Kanunis von 1520 bis 1557 order Tabakat ül-Memalik ve derecat ül-Mesalik, 1981, von Peter Kappert, Wiesbaden, Franz Steiner Verlag.

جودت پاشا، احمد (۱۳۰۹) *تاریخ جودت*، استانبول: مطبعه عثمانیه.

الحسینی التفرشی، محمد حسین (۱۳۸۹) *تاریخ شاه صفی*، تصحیح محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب.

حقی، ابراهیم (۱۳۰۵) *تاریخ عمومی*، در سعادت، قره‌بت و قصباد مطبعه‌سی.

خواندامیر، غیاث‌الدین بن همادالدین الحسینی (۱۳۸۰) *تاریخ حبیب‌السیر*، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: خیام.

خواندامیر، امیر محمود (۱۳۷۰) *تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب (ذیل حبیب‌السیر)*، تصحیح محمدعلی جراحی، تهران: گسترده.

خیرالله افندی [۱۲۸۱ق] *تاریخ دولت علیه عثمانی*، [استانبول]: مطبعه عامره.

راسم، احمد (۱۹۲۳/۱۳۴۲) *استبداد دین حاکمیت ملتیه‌یه*، استانبول: وطن مطبعه‌سی،

_____ (۱۳۳۰/۱۳۲۸) *رسملی و خریطه‌لی عثمانی تاریخی*، استانبول: شمس مطبعه‌سی.

راوندی، مرتضی (۱۴۰۱) *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: شرکت کتاب.

راشد، محمد (۱۲۸۲) *تاریخ راشد*، [استانبول]: مطبعه عامره.

رشید، احمد (۱۳۲۸) *خریطه‌لی و رسملی مکمل تاریخ عثمانی*، در سعادت، آرتین آصادوریان و مخدوملری مطبعه‌سی.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۹۴) *جامع التواریخ (تاریخ مبارک غازانی)*، جلد ۱، تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی روشن، تهران: میراث مکتوب.

رضاقلی میرزا (۱۳۷۳) *سفرنامه رضا قلی میرزا نایب‌الایاله نوه فتحعلی شاه*، تهران: اساطیر.

رفیق، احمد (۱۳۳۰) *مختصر تاریخ عمومی*، استانبول: کتابخانه اسلام و عسکری.

_____ (۱۳۳۱) *لاله دوری*، استانبول: مختار خالد کتابخانه‌سی.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۲۱۳

- روحی‌افندی (۱۹۹۲) *تواریخ آل عثمان (تاریخ روحی)*: منتشر شده به مشخصات: "Ruhi Tarihi Oxford Nüshası", *Belgeler*, c. XIV, sa. 18 (1992).
- روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷) *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران: بابک.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۹) *مشروطه عثمانی*، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- دین‌پرست، ولی (۱۳۸۹) «تأثیر تاریخ‌نگاری ایرانی دوره ایلخانان و تیموریان بر تاریخ‌نگاری عثمانی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، ۲۰(۶)، صص ۲۷-۴۸.
- سامی، شمس‌الدین محمد (۱۳۱۱) *قاموس الاعلام*، دردنجی جلد، استانبول: مهراں مطبعه‌سی.
- السجلات المستنصریه* (۱۹۵۴) تقدیم و تحقیق عبدالمنعم ماجد، [القاهرة]: دارالفکر العربی.
- سزائی، کامل (۱۲۷۰) *رساله مختصر جغرافیا*، [استانبول]: مکتب طیب شاهانه.
- سلانیکی مصطفی‌افندی (۱۲۸۱) *سلانیکی تاریخی*، [استانبول]: مطبعه عامره.
- سعدالدین افندی (۱۲۷۹) *تاج‌التواریخ*، استانبول: طبع‌خانه عامره.
- سنه هجریه سنه مخصوص سال‌نامه دولت علیه عثمانیه (۱۳۱۷/۱۳۱۹) دارالخلافة العلیه: معلومات‌طاهربک مطبعه‌سی.
- سنه مالیه سال‌نامه دولت علیه عثمانیه (۱۳۳۴) در سعادت، هلال مطبعه‌سی.
- شانی‌زاده محمد عطاءالله افندی (۱۲۹۰) *تاریخ شانی‌زاده*، [استانبول]: طربوزنلی بقرجی باشی محمد افندی‌زاده سلیمان افندی‌بک مطبعه‌سی.
- شرف، عبدالرحمن (۱۳۱۵) *تاریخ دولت عثمانیه*، استانبول: قره‌بت مطبعه‌سی.
- شکرالله رومی، [بی‌تا]، *بهجه التواریخ*، کتابخانه ملی ملک، نسخه شماره ۳۸۲.
- صیح محمد افندی، [۱۱۹۸]، *تاریخ صبحی*، قسطنطنیه: [بی‌نا].
- صولاق‌زاده، محمد همدی چلبی (۱۲۹۷) *تاریخ صولاق‌زاده*، استانبول: محمودبک مطبعه‌سی.
- طه‌زاده عمر فاروق‌بن‌محمد مراد (۱۳۲۵) *تاریخ ابوالفاروق*، مطبعه آمدی.
- عاشق‌پاشا‌زاده، احمد (۱۳۳۲) *تواریخ آل عثمان*، استانبول: مطبعه عامره.
- عاصم، نجیب‌عارف، محمد (۱۳۳۵) *عثمانلی تاریخی*، استانبول: مطبعه اورخانیه.
- عالی افندی کلیبولولو مصطفی (۱۲۷۷) *کنه الاخبار*، استانبول: تقویم‌خانه عامره.
- عبادی، مهدی (۱۴۰۲) *مدارس و سیاست مذهبی دولت عثمانی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام،
- غازی مصطفی کمال (۱۹۲۷) *نطق*، انقره: [بی‌نا].
- عربخانی، رسول (۱۳۸۸) «اندیشه عثمانی‌گرایی در تاریخ اصلاحات عثمانی»، *تاریخ اسلام و ایران*، (۷۹)، صص ۱۴۳-۱۲۷.
- غالب، اسماعیل (۱۳۰۷) *تقویم مسکوکات عثمانیه*، قسطنطنیه: مهراں مطبعه‌سی.
- فریدون‌بک، احمد (۱۲۷۴) *منشآت السلاطین*، استانبول: مطبعه عامره.
- قاضی‌زاده اردبیلی، [ظهیرالدین] (۱۴۰۰) *غزوات سلطان سلیم*، تصحیح و تحقیق طاهر بابائی، تهران: میراث مکتوب.

۲۱۴ / از آل عثمان تا امپراتوری عثمانی؛ نام‌شناسی تاریخ‌نگارانه / عبادی

قانون‌نامه آل عثمان (۱۳۳۰) سلطان محمدخان ثانی طرفندن تنظیم اولنان برنجی قانون‌نامه، استانبول: احمد احسان و شرکاسی.

قره‌چلبی زاده عبدالعزیز (۱۲۴۸) کتاب سلیمان‌نامه، القاهرة: بولاق،

کاتب‌چلبی مصطفی (۱۱۴۶) تقویم‌التواریخ، قسطنطنیه: [مطبعة ابراهیم متفرقه].

کامل پاشا (۱۳۲۷) تاریخ سیاسی دولت علیه عثمانیه، استانبول: مطبعة احمد احسان.

کریم، جودت (۱۹۲۷) تورک استقلال مجاهدہ سی قونفہ رانسری، استانبول: دولت مطبعہ سی.

کوبریلی زاده محمدفؤاد (۱۹۲۸/۱۹۲۶) «آناطولی بکلیکری تاریخنه عائد نوظلر»، تورکیات مجموعه سی، ایکنجی صص ۳۲-۱، استانبول: دولت مطبعہ سی.

کوک‌آلبک، ضیاء «خلافتک حقیقی ماهیتی»، مندرج در خلافت و ملی حاکمیت، آنقره: مطبوعات و استخبارات مطبعہ سی.

لن-پول، استنلهه (۱۳۴۵ق/۱۹۲۷) دول اسلامیه، [ترجمه و اضافات] خلیل ادهم، استانبول: ملی مطبعه.

محررات رسمیه (۱۲۸۸) استانبول: صنایع مطبعہ سی.

المقریزی احمدبن علی (۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م) السلوک لمعرفة دول الملوک، تحقیق عطاء محمد عبدالقادر، بیروت: دارالکتب العلمیه.

نشانجی، محمد پاشا (۱۲۹۰) تاریخ نشانجی، استانبول: مطبعه عامره.

نشانجی زاده، محی‌الدین محمد (۱۲۶۹) مرآت کائنات، تصحیح مصطفی وهبی، استانبول: [بی‌نا].

نشری، محمد (۱۹۹۵) کتاب جهان‌نما، منتشر شده به مشخصات:

Kitâb-ı Cihan - nümâ: Neşri tarihi, 1995, hazırlayanlar Faik Reşit Unat, Mehmed Altay Köymen, Ankara, Türk Tarih Kurumu.

نعیمه، مصطفی (۱۲۸۱) تاریخ نعیمه، [استانبول]: [مطبعة عامره].

نوری، عثمان (۱۳۲۷) عبدالحمید ثانی و دور سلطنتی حیات خصوصیه و سیاسی، استانبول: کتابخانه اسلام و عسکری.

وفیق‌بک، عبدالرحمن (۱۳۳۰) تاریخ مالی، استانبول: قناعت مطبعہ سی.

وله‌لس. ه. ج. (۱۹۲۷) جهان تاریخیک عمومی خطلری، [ترجمه هیئت مدرسان و معلمان]، استانبول: دولت مطبعہ سی.

هاممر (۱۳۳۶) دولت عثمانیه تاریخی، ترجمه محمد عطاء، دارالخلافة العلیه: اوقاف اسلامیه مطبعہ سی.

مشکور، محمدجواد (۱۳۵۰) «جدول نام‌های فرمانروایان آسیای صغیر تا دوره عثمانی»، در اخبار سلاجقه روم، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران: انتشارات کتابفروشی تهران.

یزدی، شرف‌الدین علی (۱۸۸۷) ظفرنامه، تصحیح مولوی محمد الهداد، کلکته: بیتست مشن پریس.

Bosworth, C.E. and et al., 1995, "Othmānī", in: *Encyclopaedia of Islam, Second Edition*, Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs, Leiden, E. J. Brill.

Creasy, Edward S., 1854, *History of the Ottoman Turks: from the beginning of their Empire*

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۲۱۵

- to the present time*, London, Henry Holt and Company;
- Doukas, [Mikhael], 1975, *Decline and fall of Byzantium to the Ottoman Turks*, an annotated translation of “Historia Turco-Byza” by Harry J. Magoulias, Detroit: Wayne State Univ. Press.
- Emecen, Feridun M., 2001, *İlk Osmanlılar ve Batı Anadolu Beylikler dünyası*, İstanbul, Kitabevi.
- Emecen, Feridun ve diğerleri, 2018, “OSMANLILAR”, *TDV İslâm Ansiklopedisi*, Ankara, TDV İslâm Araştırmaları Merkezi.
- Lane-Poole, Stanley, MDCCCXCIV/1894, *The Mohammadan dynasties*, Westminster, Archibald Constable.
- Merçil, Erdoğan ve diğerleri, 1991, “Anadolu Beylikleri”, *TDV İslâm Ansiklopedisi*, Ankara, TDV İslâm Araştırmaları Merkezi.
- Miller, William, 1923, *The Ottoman Empire and its successors 1801-1913*, Cambridge, The University Press.
- Spandounes, Theodore, 1997, *On the origin of the Ottoman Emperors*, translated by Donald M. Nicol, Cambridge, The University Press.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı, 1937, *Anadolu Beylikleri ve Akkoyunlu, Karakoyunlu Devletleri*, Ankara, Türk Tarih Kurumu.

List of sources with English hand writing

- ‘Āli Efendi Klibululu Mustafa, 1860, Konho al-Aḡbār, Istanbul, ‘Āmerah Taqwīm kāneh.
- 1319 Hījriyah Sanā Makḡsūs Sālnāmah-e Daulat-e ‘Elīyeh-e ‘Uṭmānīyah, 1319/1317, Dār ul-ḡalāfah al-‘Elīyah, Ma‘lūmāt Ṭāhīrbei Maṭba‘ah-sī.
- 1333-1334 Milādīyah Sālnāmah-e Daulat-e ‘Elīyeh-e ‘Uṭmānīyah, 1334, Dar Sa‘ādat, Hīlāl Maṭba‘ah-sī.
- Abu Bakr b. Abdullah, 1387, History of Osman Pasha, by Yunus Zarak, translated by Nasrollah Salehi, Tehran, Tahūrī.
- Adam, Hubble, 1960, Ankara and European politics, [n.p.], Qadr Maṭba‘ah-sī.
- Ahmedi İskender-Name, 1983, yay. haz İsmail Ünver, Ankara, Türk Dil Kurumu.
- Al-Maqrīzī, Aḡmad b. ‘Alī, 1997, Al-Solūk İ-Ma‘rīfa Dūwal al-Molūk, edited by Ata Mohammad Abd al-Qadīr, Beirut, Dār ul-Kutub ul-‘İlmīyah.
- Al-Sajallāt al-Mostansarīyah, 1954, edited by Abdul Moneim Majid, [Cairo], Dār ul-Fīkr al-‘Arabī.
- Arabkhani, Rasul, 2009, "THE IDEA OF OTTOMANISM IN THE HISTORY OF OTTOMANIDS ", Journal of History of Islam and Iran, no. 79, p. 127-143.
- Asheq Pashazadeh, Ahmed, 1913, Tavārīḡ-e Āl-e ‘Uṭmān. Istanbul: ‘Āmerah Maṭba‘ah.
- Asim, Najib and Aref, Mohammad, 1916, ‘Uṭmānī Tārīḡī, Istanbul, ‘Urukānīyah Maṭba‘ah.
- Beīhaḡī, Abūfāzl, 2004, Tārīḡ-e Beīhaḡī, edited by Ali Akbar Fayaz, Mashhad, Ferdowsi University.
- Bīdlīsī, İdrīs b. ḡusām al-Dīn, 1084 AH, Hašt Behešt, written by Mohammad Masoom Zonouzi, Library of the Islamic Council, copy number 8762.
- Bosworth, Clifford Edmund, 2002, The new Islamic dynasties: a chronological and genealogical manual, translated by Fereydoun Badraei, Tehran, Iran and Islam Recognition Center.
- Ĉalabī, Bašīr, 1946, Tewārīḡ-e Āl-e ‘Uṭmān: published in the following specifications:
- Cevdet Paša, Ahmet, 1891, History of Cevdet, Istanbul, ‘Uṭmaniya Press.
- Curriculum for the doctoral degree in Islamic history, approved by the 840th session of the Higher Education Planning Council, Ministry of Science, Research and Technology, 05/27/2013; Accessible via:
- Dinparest, Vali, 2009, "The Effects of Iranian Historiography in Ilkhanian and Timurids Eras on Ottomans Historiography ", Historical Perspective and Historiography, No. 86, p. 27-48.
- Ebadi, Mehdi, 1981, Schools and Religious Policy of the Ottoman State, Tehran, Islamic History Research Institute,
- Emami Khoei, Mohammad Taqī, 2016, History of the Ottoman Empire, Tehran, Samt.
- Fereydonbek, Ahmed, 1857, Monša‘āt al-Salāṭīn, Istanbul, ‘Āmerah Maṭba‘ah.
- Ghalīb, İsmail, 1889, Taqwīm-e Maskūkāt-e ‘Uṭmānīyeh, Constantinople, Mahrān Maṭba‘ah-sī.
- Ghazi Mustafa Kamal, 1927, speech, Ankara, [n.p.].
- Ghazizadeh Ardabili, [Zahīr al-Dīn], 2019, Ġazavāt-e Soltān Salīm, edited by Taher Babaei, Tehran, Mīrāt-e Maktūb.
- Haghi, Ebrahim, 1888, General History, Sa‘ādat, Qurrahbat wa Qušbād Maṭba‘ah-sī.
- Hammar, 1918, History of Ottoman State, translated by Mohammad Ata, Dār al-ḡalāfah al-‘Ulyā: Awḡāf Islāmīyah Maṭba‘ah-sī.
- Hazrati, Hassan, 2010, Ottoman Constitution, Tehran, Research Institute for Islamic History.
- Hosseini al-Tafreshi, Mohammad Hossein, 2010, History of Shah Safī, edited by Mohsen Bahramnejad, Tehran, Mīrāt-e Maktūb.
https://hes.msrt.ir/GetFile.php?ClassName=Education&FileIndex=Educ_6549&URL=/T_Education/Educ_6549_0.pdf
- İbn Abī al-Šurūr, Moḡammad, 2005, Al-Toḡfat ul-Bahīyah fī Tamalok Āl ‘Uṭmān al-Dīyār al-Mīšrīyah, edited by Abd al-Rahim Abd al-Rahman Abd al-Rahim, Cairo, Dār al-Kutub wa al-Watā‘īq ul-Qawmīyah.

- İbn al-Teqtaqā, Moḥammad b. ‘Alī b. Ṭabāṭabā, 1997, *Al-Fakrī fī al-Ādāb al-Soltānīyah wa al-Duwal al-İslāmīyah*, edited by Abdul Qadir Mohammad Mayo, Aleppo, Dār al-Qalam al-‘Arabī.
- İbn Ayās al-Ḥanafī, Moḥammad b. Aḥmad, 1961, *Badā’ī al-Zahūr fī al-Waqā’ī al-Dihūr*, edited by Mohammad Mostafa, Cairo, al-ĵam‘īyah al-Miṣrīyah lil-Dirāsāt al-Tārīkīyah.
- İbn Ḥabīb, Al-Ḥasan b. ‘Umar, 2014, *Durrat ul-Aslāk fī Dawlat al-Ātrak*, edited by Mohammad Mohammad Amin, Cairo, Maṭba‘ah Dār al-Kutub wa al-Wiṭā’iq al-Qawmīyah.
- İbn Taḡrābardī, Yūsuf b. Taḡrābardī, 1992, *Al-Nojūm ul-Zāhīrah fī Molūk Miṣr wa al-Qāhīrah*, Beirut Dār ul-Kutub al-‘İlmīyah.
- İbn Zonbol al-Ramāl, Aḥmad b. ‘Alī, 1998, *Ākīrat ul-Mamālīk Aū Wāqī‘at ul-Soltān al-Ġūrī Ma‘a Solaymān al-‘Uṭmānī*, edited by Abdul Moneim Amer, Cairo, Al-Ḥay‘ah al-Miṣrīyah al-‘Ammah lil-Kitāb.
- Ipscherli, Mohammad, 2013, "Review of Ottoman Historiography", *Historiography and Ottoman Historians*, translated and edited by Nasrollah Salehi, Tehran, Research Institute for Islamic History.
- Jalalzadeh, Mostafa Chalabi, 1981, *Ṭabaqāt ul-Mamālīk wa Darajāt ul-Masālīk*, published in the following specifications: *Geschichte Sultan Süleyman Kanunis von 1520 bis 1557 order Tabakat ül-Memalik ve derecat ül-Mesalik*, 1981, von Peter Kappert, Wiesbaden, Franz Steiner Verlag.
- Kamel Pasha, 1909, *Tārīk-e Siyāsī-e Daulat-e ‘Ālīyeh-ye ‘Uṭmānīyeh*. Istanbul: Maṭba‘ah Aḥmad İhsān.
- kāndmīr, Amīr Maḥmūd, 1991, *Tārīk-e Šāh İsmā‘īl va Šāh Ṭahmāsb (Ḍayl-e Ḥabīb al-Sīyar)*, edited by Mohammad Ali Jarahi, Tehran, Gostareh.
- kāndmīr, Ġīyāt al-Dīn b. Homām al-Dīn al-Ḥossānī, 2001, *Tārīk-e Ḥabīb al-Sīyar*, edited by Mohammad Dabir Siyaghi, Tehran, kayyām Publishing.
- Karim, Jodet, 1927, *Türk İstiklal Mahākīm-i Kavānīn-i Qünferānslārī*. Istanbul: Daulat Maṭba‘ahsi.
- Kateb Chalabi Mustafa, 1733, *Taqwīm al-Tawārīk*, Constantinople, [Maṭba‘ah İbrāhīm Motefarriqah].
- Khairullah Effendi, [1864], *History of the Ottomans State*, [Istanbul], ‘Āmīreh.
- Kök Alp Bag, Ḍyā’. "kīlāfahtīk Ḥaqqī Māḥīyat-i." *Khelāfat va Melli Ḥaķemiyat*. Ankara: Maṭbū‘āt wa Istīkḃārāt Maṭba‘ahsi.
- Köprülüzādah Meḥmed Fuād (1926-1928). "Anadolu Bekleri Tārīkhne 'Ā‘īd-i Nuṭqīleri." *Türkiyat Mecmu‘a-i*, İkinci Kitap, 1-32. Istanbul: Daulat Maṭba‘ahsi.
- Lane-Poole, Stanley, 1927, *Islamic States*, Translated and annotated by Khalil Adham, Istanbul, Mellī Maṭba‘ahsi.
- Mashkoo, Mohammad Javad, 1971, "Table of names of the rulers of Asia Minor until the Ottoman period", in the news of Selajqah Rum, with the attention of Mohammad Javad Mashkoo, Tehran, Tehran Bookstore Publications.
- Moḥarrāt Rasmīyah, 1871, Istanbul, Şanāye‘ Maṭba‘ahsi.
- Naima, Mustafa, 1864, *Tārīk-e Nā‘īmā*, Istanbul, Maṭba‘ahsī-‘Āmireh.
- Nashri, Mohammad, 1995, *Kitāb-ı Cihan - nümā: Neşri tarihi*, 1995, prepared by Faik Reşit Unat, Mehmed Altay Köymen, Ankara, Türk Tarih Kurumu.
- Nishanji, Mohammad Pasha, 1873, *Tārīk-e Nīšānjī*, Istanbul, Maṭba‘ahsī-‘Āmireh.
- Nishanjizadeh, Mohiuddin Mohammad, 1852, *Mer‘āt ul-Kā‘īnāt*, edited by Mustafa Wehbi, Istanbul, [n.p.].
- Nouri, Osman, 1909, *‘Abd al-Ḥamīd al-tānī wa Daūr al-Saltānatī Ḥayāt koşoşsiya wa Siyāsīyah*. Istanbul: Kītābkāneh-e Islām wa al-‘Askariyah.
- Oruç Beğ, b. ‘Ādīl al-Qazzāz Kātīb al-İdirnoūi, 1925, *Tawārīk al-‘Uṭmān*, [edited by] Franz Babinger, Hanover: Şarq Ketābkāneh-e C.
- Pechovi, Ibrahim, 1866, *History of Pechovi*, Istanbul, ‘Āmīreh Maṭba‘ah.
- Pouriran, Abbas, 2006, *Iranian-Ottoman relations during the Safavid era*, Iran, Dastūr.
- Qānūn-nāmeḥ-e Āl-e ‘Uṭmān, 1912, *Soltān Moḥammad Khān al-tānī Ṭarafandan Tanzīm Olnān Baranjī Qānūn-nāmeḥ*. Istanbul: Aḥmad İhsān wa Şarīkāsī.
- Qarachalabizadeh Abdul Aziz, 1832, *Kitāb-e Solaymān-nāmeḥ*, Cairo, Bulaq.

- Rafiq, Ahmed, 1911, *Moktaşar Tārīk-e 'Omūmī*, Istanbul, Islam va 'Askarī Ketābkānah.
- Rafiq, Ahmed, 1912, *Laleh Dūri*, Istanbul, Moktār kalid Ketābkāneh C.
- Rasem, Ahmed, 1923, *Despotism of National Sovereignty*, Istanbul, Waṭan Maṭba'ahsī.
- Rashid, Ahmed, 1910, *ḡarīṭah-lī wa Rasm-lī Mokammel-e Tārīk-e 'Uṭmānī*, Sa'ādat, Ārtīn Āšādūryān wa Maḡdūmlarī Maṭba'ahsī.
- Rashid, Mohammad, 1865, *Tārīk-e Rāšīd*, [Istanbul], 'Āmerek Press.
- Rašīd al-Dīn Faḡlollāh Hamadānī, 2014, *jāmī' ul-Tawārīk (Tārīk-e Mobārak-e Ġāzānī)*, Volume 1, edited by Mohammad Roshan and Mostafa Roshan, Tehran, Mīrāt-e Maktūb.
- Rasm, Ahmed, 1910 -1912, *Resmīlī ve ḡarīṭah-i 'Uṭmānī Tārīkī*, Istanbul, Šams Maṭba'ahsī.
- Ravandi, Morteza, 2022, *social history of Iran*, Tehran, book company.
- Reza Qoli Mīrza, 1994, *Safarnāmeḡ-e Rizā Qolī Mīrzā Nāyeb ul-Iyālah Navvāb-e Faṭḡ 'Alī Šāh*, Tehran, Ašātīr.
- Romelu, Hasan Beyg, 1978, *Aḡsan ul-Tawārīk*, edited by Abdul Hossein Navaei, Tehran, Bābak Publishing House.
- Ruhi Effendi, 1992, *Ruhi Tarihi Oxford Nūshası*", Belgeler, c. XIV, sa. 18.
- Sadeddīn Efendi, 1862, *Tāj ul-Tawārīk*, Istanbul, 'Āmerek Library.
- Sāmī, Šams ul-Dīn Moḡammad, 1893, *Qāmūs ul-A'lām*, Dardanji Vol., Istanbul, Mahrān Maṭba'ahsī.
- Sanaci, Othman, 1897, *Constantinople, Šarīkah Martabīyah Maṭba'ah*.
- Šaraf, 'Abd al-Raḡmān, 1897, *Tārīk-e Daulat-e 'Uṭmānīyah*, Istanbul, Qarabet Maṭba'ahsī.
- Sazā'ī, Kāmel, 1853, *Rīsāleh-e Moktaşar-e joḡrāfīyah*. Istanbul: Maktab-e Ṭabīyeh Šāhāneh.
- Selaniki, Mustafa Efendi, 1864, *Selānīkī Tārīkī*, [Istanbul], 'Āmerek Press.
- Shanizadeh Mehmed Atallah Efendi, 1873, *Tārīk-e Šānīzādeh*, [Istanbul], Tarbuzānlī Bāqerjī Bāšī, Mohammad Effendīzādeh Suleīmān Efendīk Maṭba'ahsī.
- Shokrollah Rumi, [n.d.], *Bahjat ul-Tawārīk*, National Library of the King, manuscript no. 382.
- Sobḡ Mohammad Efendi, 1198, *Tārīk-e Sobḡī*, Constantinople, [n.p.].
- Sulāḡzādeh Mohammad Efendi, 1879, *Tārīk-e Šulāḡzādeh*, Istanbul, Maṭba'ahsī Maḡmūd Bek.
- Tahazadeh Umar Farooq b. Mohammad Morad, 1907, *Tārīk-e 'Abul Fārooq*, 'Āmerek Maṭba'ah.
- Tevarih-i Al-i 'Osman, 1946, nşr. İsmail Hikmet Ertaylan, İstanbul, İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi.
- Vafiqbek, Abdurrahman, 1912, *financial history*, Istanbul, Qīnā'at Maṭba'ahsī.
- Wahless H. G. 1927, *ḡahān-i Tārīkīk 'Umūmī ḡaṭūṭlarī*, Translation by the faculty of teachers Istanbul, Doulat Maṭba'ahsī.
- Yazdī, Sharaf al-Dīn 'Alī, 1887, *Zafarnāmah*, edited by Molavi Mohammad Al Hadad, Calcutta, Baptist Mission Press.

References in English

- Bosworth, C.E. and et al., 1995, "'Othmānī", in: *Encyclopaedia of Islam, Second Edition*, Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs, Leiden, E. J. Brill.
- Creasy, Edward S., 1854, *History of the Ottoman Turks: from the beginning of their Empire to the present time*, London, Henry Holt and Company;
- Doukas, [Mikhael], 1975, *Decline and fall of Byzantium to the Ottoman Turks*, an annotated translation of "Historia Turco-Byza" by Harry J. Magoulias, Detroit: Wayne State Univ. Press.
- Emecen, Feridun M., 2001, *İlk Osmanlılar ve Batı Anadolu Beylikler dünyası*, İstanbul, Kitabevi.
- Emecen, Feridun ve diğerkleri, 2018, "OSMANLILAR", *TDV İslām Ansiklopedisi*, Ankara, TDV İslām Araştırmaları Merkezi.
- Lane-Poole, Stanley, MDCCCXCIV/1894, *The Mohammadan dynasties*, Westminster, Archibald Constable.
- Merçil, Erdoğan ve diğerkleri, 1991, "Anadolu Beylikleri", *TDV İslām Ansiklopedisi*, Ankara, TDV İslām Araştırmaları Merkezi.
- Miller, William, 1923, *The Ottoman Empire and its successors 1801-1913*, Cambridge, The University Press.

Spandounes, Theodore, 1997, *On the origin of the Ottoman Emperors*, translated by Donald M. Nicol, Cambridge, The University Press.

Uzunçarşılı, İsmail Hakkı, 1937, *Anadolu Beylikleri ve Akkoyunlu, Karakoyunlu Devletleri*, Ankara, Türk Tarih Kurumu.



©2023 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons [Attribution-NonCommercial 4.0 International](https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/) (CC BY-NC- ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

From Āl-i‘Othmān to the Ottoman Empire: Historiographical Nomenclature¹

Mahdi Ebadi²

Received: 2024/02/04
Accepted: 2024/05/02

Abstract

In current studies and texts, although the term “Ottoman Empire” is more commonly used to refer to the Ottomans, there seems to be some confusion about the name of this Muslim dynasty, especially since this title does not align with sources from the Ottoman period. This can mean that a serious reconsideration in this area is necessary. Examination of historical texts, historical writings, and Ottoman-era sources indicates that based on common naming patterns in Islamic states, the name “Āl-i‘Othmān” was prevalent for this dynasty throughout its history. Following the transformation from Ottoman Beylik to the Ottoman state, the term “Dewlat-i ‘Othmāniyyah” also became popular in historical works and sources from the second half of the 8th century after Hijrah. Additionally, in Persian sources and sometimes in Ottoman Turkish, the name “‘Othmāniyān” is also visible. However, in later periods of the Ottoman era, the term “Dewlat-i ‘Āliyyah ‘Othmāniyyah” was more commonly used in historical texts and sources to refer to this ancient dynasty, and it was more prevalent in official documents and government insignia. This title likely corresponds to the meaning of “Ottoman Empire” in Western historical works, where its use was often deliberate. Therefore, it seems that using “Dewlat-i ‘Othmāniyyah/Ottoman State” instead of “Ottoman Empire” in current studies would be a more appropriate and accurate designation.

Keywords: The names of Islamic states, Āl-i‘Othmān, Dewlat-i ‘Othmāniyyah, ‘Othmāniyān, ‘Othmānlī, ‘Othmānlīlar, Ottoman Empire, Dewlat-i ‘Āliyyah ‘Othmāniyyah.

1. DOI: 10.22051/hph.2024.46725.1717

2. Associate professor at the Department for History and civilization of Islamic nations, Payame noor University, Tehran, Iran. mebadi@pnu.ac.ir
Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507